



عدالت و آروغنه در آموزش و پرورش



مسئول تشکیلات و برنامه ریزی سازمان معلمان ایران

دولت نهم با شعار "عدالت محوری و مهرورزی" بر سر کار آمد.

اگر نگاهی اجمالی به شعارها و سخنان آقای احمدی نژاد در دوره انتخابات نهم داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که درصد بسیار بزرگی از این موارد به شعارهای اقتصادی و معیشتی برمی گردد و تکیه کلام ایشان و تیم انتخاباتی او این بوده است که "نفث را بر سر سفره‌ی مردم می آوریم" هر چند ایشان اخیراً و به تازگی این جمله را تکذیب کرد!

آقای احمدی نژاد کرارا عنوان می کردند که

مشکل مردم، آزادی، دموکراسی و توسعه سیاسی و این قبیل حرف‌ها نیست، بلکه مردم مشکل نان و معیشت دارند. هر چند موضع گیری‌های ایشان و دوستانشان ثانی این اصل بنیادین در پیروزی انقلاب بوده است که ما "برای شکم، انقلاب نکردیم".

البته ایشان قبل از تصدی ریاست جمهوری، برنامه و یا استراتژی مشخصی را در حوزه اقتصاد ارایه ندادند که کارشناسان بتوانند به نقد آن بپردازند، بلکه صحبت‌ها و مواضع، میان یک سری مسائل کلی و نقد وضعیت موجود به زبان ساده و به عبارت بهتر، عوام فهمانه و جذاب بود.

دولت آقای خاتمی در اواخر کار خود، لایحه مدیریت خدمات کشوری را تقدیم مجلس هفتم نمود. این لایحه مشتمل بر ۱۵ فصل است که دو فصل آن اختصاص به "نظام هماهنگ پرداخت کارکنان" دارد.

پس از گذشت حدود ۱/۵ سال، مجلس مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی، کمیسیون ویژه‌ای را مأمور بررسی نظام پرداخت هماهنگ نمود. پس از این که مراحل بررسی انجام شد و نمایندگان دولت هم در جلسات حضور یافتند، نهایتاً آقایان چهرمی و برقی، پای صورت جلسه را به همراه نمایندگان مجلس امضا کردند. اکنون که کار به مراحل پایانی رسیده است،

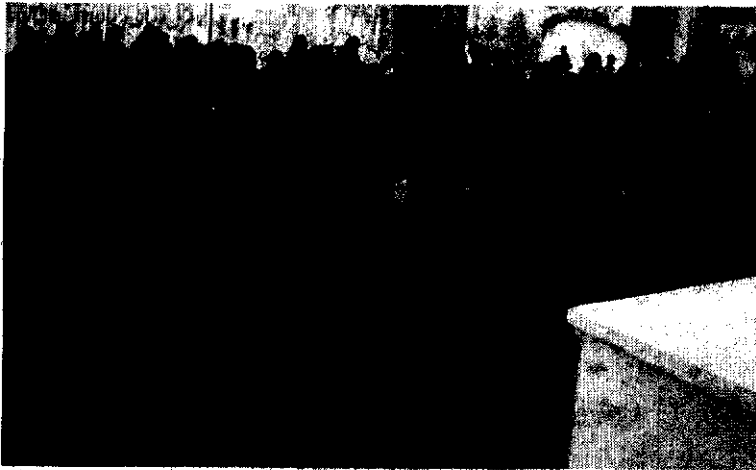
بین مجلس و دولت اختلاف پیش آمده است. مجلس می گوید بار مالی اجرای این نظام، حدود سه هزار میلیارد تومان است در حالی که دولت مصر است بار مالی آن بیش از ۵ هزار میلیارد تومان و در حدود هفت هزار میلیارد تومان است و در ضمن اعلام کرده که توانایی پرداخت آن را ندارد و قصد استرداد آن را نموده است. در واقع پس از مدت زیادی انتظار، معلمان به آرزوی دیرینه خود که همانا "رفع تبعیض و نابرابری در پرداخت‌ها" است، نرسیده‌اند.

در آن زمان، رسانه‌های وابسته به جریان محافظه کار، دولت آقای خاتمی و مجموعه ایشان را به ضعف مدیریت در تامین مطالبات کارکنان به ویژه معلمان متهم می کردند و اکنون در برابر تحولات روی داده سیاست "سکوت" را برگزیده‌اند.

حناقل در آن زمان، وزیر آموزش و پرورش در محافل و افکار عمومی حاضر می شد و به سوالات و ابهامات پاسخ می داد و یا در صورت ناتوانی، عذرخواهی می کرد.

اما وزیر فعلی آموزش و پرورش که خود و مدیرانش التزام نظری و عملی به آرمان‌ها و سیاست ریاست جمهوری دارند، یا سکوت پیشه کرده و یا توجیه‌گر وضع موجودند.

آیا مطالبات متراکم و انباشته‌ی معلمان و



اعتراض آنها به تدریس، در توزیع سهام عدالت و با متوجهی از مسئول مهر رضا خلاصه می شود؟
مسئله باید اذعان کرد که نگاه کارشناسانه و نهول مجبور نسبت به اقتصاد آموزش و پرورش و تحلیل سیستمی آن، در هیچ دولتی به طور نسبی وجود نداشته است! و هر دولتی که روی کار آمد است برنامه خاص و منونی در زمینه مسایل آموزش و پرورش ارائه نفاذه است.

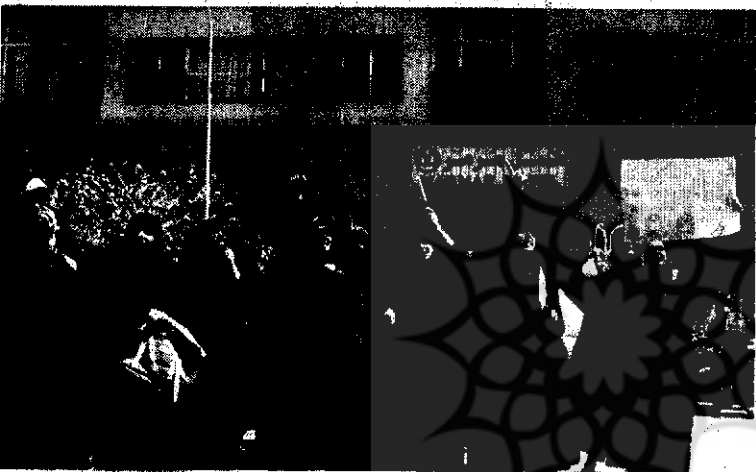
در مقابل، همواره به جامعه بزرگ معلمان، نگاه انبزاری وجود داشته است و بهترین مدعی آن، در زمان انتخابات چه در اجرا و چه در فرایند بوده است. برای معلمان به عنوان یکی از مهمترین طبقات مرجع جامعه این سوال مطرح است، در حالی که آقای احمدی نژاد، یک میلیارد دلار را جهت تامین صندوقی در آمریکای لاتین اختصاص می دهد و نیز میلیون ها دلار را صرف توسعه کشورهای همسایه می کند، اما وقتی که پای مسایل داخلی از جمله همین نظام پرداخت هماهنگ می رسد، عنوان می شود که پولی وجود ندارد و اجرایی آن تورمزا است!
آیا آموزه های علم اقتصاد فقط برای معلمان و آن هم در داخل قابل اجراست و بس؟

دولت اعلام کرده که در بودجه سال ۸۶ بودجه جاری را کاهش داده است و به نظر می رسد این کاهش از جیب کارکنان دولت و به ویژه معلمان خواهد بود. دولتی که حداقل در سال ۸۵ علی رغم هشدار کارشناسان و اقتصاددانان، از کاهش و یا لاقط ثابت نگه داشتن نرخ تورم ناتوان بوده است قصد دارد امسال، تورم را به این صورت مهار کند.

آیا از نظر سازمان مدیریت و برنامه ریزی، کاهش میزان تقدینگی به این صورت قابل دفاع است؟ آیا افزایش دستمزدها و درآمدها در سال ۸۵ متناسب با افزایش نرخ تورم و کالاهای و خدمات بوده است که اکنون باید این سیاست اجرا شود؟
چه تضمینی برای ثابت نگه داشتن نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ خواهد بود؟

از سوی دیگر، آقای حاج بابایی، منشی هیات ریسه مجلس عنوان کرده است که بودجه ی سال ۸۶ نسبت به بودجه ی سال ۸۵، ۳ درصد کاهش و نسبت به بودجه ی عملیاتی، ۱۸ درصد کاهش داشته است.

اجرای سیاست های انبساطی بی حد و حصر و بدون ضابطه سال ۸۵، در مقایسه با بودجه انقباضی سال ۸۶، چه توجیعی می تواند داشته باشد؟ آیا این مساله، نوعی افراط و تفریط نیست! از آن جا که در



با سابقه بالا دریافت می کند؟

آیا از نظر مسوولان نظام، به ویژه مسوولان آموزش و پرورش، معنای اجرای عدالت این است؟ بحث ما بر سر دریافت ها و پرداخت ها بین معلمان و دیگر کارکنان دولت است.

مسوولان باید پاسخ دهند چرا در لایحه نظام پرداخت هماهنگ، بعضی از کارکنان دولت مانند قضات و برخی از وزارتخانه ها و ارگان ها را از شمول این طرح خارج کرده اند؟

در حالی که براساس آمار رسمی، میزان بازده مفید کارکنان دولت در ساعات کاری یک روز، فقط ۵۴ دقیقه است، پس این همه خط کشی ها و تبعیض های بدون ضابطه و سلیقه ای، بر کدام دلیل و منطق استوار است؟

دولتی که با شعار عدالت بر سرکار آمده است، باید در عمل نیز به آن پای بند باشد.
اجرای نظام هماهنگ پرداخته شاید وزنه ی کوچکی برای کاهش تبعیض ها و فاصله ها باشد.

اقتصاد، اجرای یک سیاست علاوه بر آن که نتایج کوتاه مدت دارد، آثار واقعی خود را در درازمدت نشان می دهد، به طور قطع، عوارض و پیامدهای توری و زیان بار بودجه سال ۸۵، که از ماه های اخیر شروع شده، در سال ۸۶ خود را بیشتر نشان خواهد داد و به نظر می رسد با اجرای طرح پلکانی افزایش حقوق که در بودجه سال ۸۶ گنجانده شده است و نیز به احتمال زیاد، افزایش حقوق در نیمه اول سال ۸۶ رخ نخواهد داد، تعداد بسیار زیادی از معلمان در آستانه خطر فقر مطلق قرار خواهند گرفت.

در مجموع باید گفت که با اجرای سیستم پلکانی افزایش دستمزدها، تبعیض و بی عدالتی به منتهی درجه خود خواهد رسید و آموزش و پرورش نه در مسیر تخصصی شدن و حرفه ای شدن که در چرخه نزول و رکود بی سلیقه قرار خواهد گرفت.

آیا معنای عدالت در آموزش و پرورش این است که یک فرد با سابقه کم و با تخصص پایین همان حقوق و مزایایی را دریافت کند که یک فرد متخصص